ادبیات تطبیقی در ایران: شذرات من النظم و النثر

تاج بخش، اسماعیل

در سال 1343 هجری شمسی که این کتاب به تصحیح استاد مجتبی مینوی انتشار یافت و این چاپ از دیگر چاپ‏های کلیه و دمنه ممتازتر و صحیح‏تر می‏باشد و سال‏ها کوشش و رنج فراوان‏ برای تصحیح و تحشیه‏ی آن مبذول شده بود.استاد مینوی در تاریخ‏ 14/8/1343 یک نسخه از این چاپ تحقیقی و انتقادی را به استاد فرزان به این عبارت اهدا کرد:«تقدیم حضور حضرت علاّمه‏ی عزیز، جناب آقای سیّد محمد فرزان مد ظله می‏شود.»و از او خواست تا نظرات خود را درباره‏ی آن مرقوم دارد.

فرزان به شیوه‏ی خویش با دقت خاص خود کتاب را مطالعه‏ فرمود و نظراتش را بر هامش صفحاتی چند از آن کتاب نوشت و به وسیله‏ی استاد یحیی مهدوی نسخه‏ی محشی شده را نزد زنده یاد مینوی فرستاد تا هرگاه نظراتش را مورد قبول قرار دهد در چاپ دوم‏ به‏کار بندد.استاد مینوی برخی از نظرات فرزان را وارد تشخیص داد، امّا برخی دیگر را با توجه به معیار و ضابطه و سنجش خویش رد کرد و نظر خود را مرجح دانست.

علاّمه فرزان فرمود:در چاپ دوم کلیله و دمنه برخی از نظرات‏ مرا آقای مینوی پذیرفته و متن اصلاح شده و برخی دیگر را قبول‏ نکرده است،من هم‏چنان به صائب بودن نظرات خود باقی هستم و البته مینوی اهل سنجش و نظر و تتبع است و نظر خود را درست‏ می‏داند.موارد اختلاف نظرات من با او غالبا نظری است،خاصه که‏ نظر او متکی به متونی است که در دست دارد و در این کار مجتهد فن می‏باشد و به قول اهل اصول هر مجتهدی مصیب است در حکم‏ و نظر.

فرزان درباره‏ی این چاپ انتقادی و کوشش‏ها و تصحیحات و تعلقات پر ارج استاد مینوی چنین نوشته است:«یادداشت‏های‏ پریشانی که با این قلم بر حشو و ذیل این نسخه‏ی نفیس نوشته‏ شده است،ناظر به موارد معدودی‏ست که در آن اندک شائبه‏یی از ضعف تألیف و تعبیر احساس می‏شود و حیف بود بر آن بگذرم و آن‏ را نادیده انگارم.و امّا امتیازاتی که این عمل عالمانه دربردارد و رنجی که در تسویه و تصفیه‏ی آن به‏کار رفته است،بیش از آن است‏ که بنده‏ی ناتوان بتواند آن را احصاء کند و بنمایاند.انتظار دارم‏ افاضل جوان و بنام ما از عهده‏ی این فریضه‏ی ادبی و علمی برآیند و حق نقد و تقریظ آن را ادا نمایند.و اللّه المستعان وعلیه التکالن.سیّد محمّد فرزان».

شذرات من النظم و النثر فی العصر الحدیث تألیف دکتر نادر نظام طهرانی و دکتر سعید واعظ،دو تن از همکاران فاضل و ارجمند حقیر است که اخیرا به وسیله‏ی دانشگاه علاّمه طباطبایی در سه هزار نسخه چاپ شده است.طرح جلد و صفحه آرایی و داشتن‏ حروف چشم‏نواز و کاغذ مرغوب،از مختصات ظاهری کتاب است که‏ مثل زیباروی دلربایی بیننده را به سوی خود جلب می‏کند.این کتاب‏ صورت تکمیل شده‏ی کتاب نصوص من النثر و الشعر فی العصر الحدیث است که قبلا دو بار چاپ شده است و البته چاپ دوم کتاب‏ نیز صورت آراسته و تکمیل شده‏ی چاپ اول بود.گویی استقبال‏ دانشجویان و پایان گرفتن نسخه‏های کتاب و درک نیازها و ضرورت‏ها،مؤلفان محترم را به تکمیل و تقدیم چنین اثری به‏ علاقه‏مندان زبان و ادب عربی و فارسی واداشته است و همان‏گونه‏ که در مقدمه‏ی کوتاه کتاب اشاره فرموده‏اند:«دسته گلی گزین از شاهکارهای شعرا و نویسندگان و ادبای ادب عربی فراهم آورده‏اند که گرایش‏های ذوقی آنان را در زمینه‏های گوناگون ادبی تصوی‏ می‏کند.»

این کتاب یکی از بهترین متون برای آشنا شدن و شکوفایی ذهن‏ و ذوق دانشجویان ادب فارسی و عربی با ادبیات معاصر عرب است. ویژگی برجسته‏ی کتاب توضیح عبارات و اشعار به زبانی روشن و بلورین است که نقاب از چهره مطالب دشوار آن برداشته و ذهن‏ خواننده را به کان کلام سخنور هدایت می‏کند.شرح حال مختصر پدیدآورنده‏ی اثر،زینت بخش مقدمه‏ی آن به شمار می‏آید.تنها کاستی کتاب به گمان حقیر،فقدان یک واژه‏نامه‏ی ابجدی عربی به‏ فارسی در پایان آن است که کار خواننده را در مطالعه‏ی کتاب و فهم‏ دقایق و ظرایف آن سرعت ببخشد.

مزیّت برجسته‏ی دیگر کتاب،متن معرب و مشکول آن است که‏ با دقتی وسوس‏آمیز صورت گرفته است.این‏گونه کتاب‏ها در ایران‏ معمولا از خطاهای شکل و اعراب مصون نیستند و این کتاب در این‏ زمینه انگار اثری استثنایی‏ست که سهو القلم‏ها در آن بسیار اندک و به مصداق النادر کالمعدوم است و البته از دو دانشمندی که سال‏های‏ در ادب عربی زحمت کشیده‏اند،جز چنین انتظاری نمی‏رود و البته‏ دکتر واعظ ذوحیاتین است در ادب فارسی نیز دستی توانا دارد. ودیگر سؤالات مفید و جاندار پایان درس‏هاست که ذهن‏های‏ خلاّق را به تلاش و تکاپو وامی‏دارد و جان‏مایه‏ی دروس را در ذهن و ضمیر خواننده استوار می‏کند.کتاب متون خواندنی و لذت‏انگیز فراوان دارد که به نمونه‏های مهم آن‏ها اشاره می‏شود:

1-«المعلّم»احمد شوقی(ص 14)؛2-«العلم و الاخلاق» حافظ ابراهیم(ص 20)؛3-«افسدک قومت»مصطفی منفلوطی‏ (ص 34)؛4-«یا امّی»جبران خلیل جبران(ص 41)؛5-«فی‏ الجبّانه»ابراهیم عبد القادر مازنی(ص 67)؛6-«ارنی اللّه» توفیق الحکیم(ص 79)؛7-«ارادة الشعب»ابو القاسم الشابی(ص‏ 100)؛8-«النسر»عمر ابو ریشه(ص 107)؛9-«المرض المتبادل» نجیب محفظ(ص 116)؛10-«العینیک»سعید عقل(ص 134)؛11 -«الافعوان»نازک الملائکه(ص 191)؛12-«اول درس القیته» احمد حسن زیّات(ص 250)؛13-«امرأة فی سجّل الزمان»ایمان‏ بکری(ص 341).

در این‏جا به عنوان نمونه،ترجمه‏ی قطعه‏ی«المجنونه»تقدیم‏ می‏شود.این سروده از دکتر سعاد الصباح شاعره‏ی کویتی‏ست:

متن عربی شعر

من قصیده:المجنونه

أنّنی مجنونه جدّا.../ و أنتم عقلاء/ و أنا هاربه من جنّه العقل/ و أنتم حکماء/ أشهر الصّیف لکم/ فاترکوا لی انقلابات الشّتاء/ أنا فی حاله حبّ/ لیس لی منها شفاء/ و أنا مقهوره فی جسدی/ کمّلایین النّساء/ و أنا مشدودة الأعصاب/ لو تنفخ فی داخل ادنی/ لتطایرت دخانا فی الهواء.

متن فارسی شعر

من بی‏تردید دیوانه‏ام/و شما خردورزان!/من از بهشت خرد گریزانم/و شما فرزانگان!/ماه‏های تابستانی از آن شا باد/مرا با زمستان و دگرگونی‏هایش واگذارید/من دردمند عشقم/که‏ درمانیش نیست/من تخته‏بند زندان تنم/هم‏چون میلیون‏ها زن‏ دیگر/با اعصابی ضعیف و ناتوان/[تا به حدی که‏]/اگر در درون‏ گوشم بدمی/چون دودی به هوا خواهم پرید!

در پایان توفیق تدوین‏کنندگان دانشمند این اثر بدیع را ضمن‏ تبریک به خدمت آنان از درگاه متعال مسألت دارد.امیدوار است در چاپ دوم کتاب شذورات نگارشی«شذرات»را که به نمونه‏های‏ آن‏ها اشاره می‏رود،اصلاح فرمایند:

ص 93-بیت 7-ابا العلاء-ابا العلاء

ص 93-بیت 2-معرّة-معرّة

ص 94-بیت 2-سطر 2-شفائه-شفائه

ص 95-سطر 11-داووا-داووا

ص 95-سطر 2 از آخر-نحاس-نحاس

ص 96-سطر 2-علیا-علیا

ص 96-سطر 4-الراجع-الراحج

ص 96-سطر 10-تبلّغه-تبلّغه

ص 96-سطر 16-ضجّه-ضجه

ص 97-سطر 1-اوجاع-اوجاع

ص 136-سطر 5-لهبا-لهوا

ص 140-سطر 11-تبقی-تبقی

1-«...حیث حاولنا ان نضمنه باقة مختارة من الشعراء و الادباء و نماذح من اشعارهم و کتاباتهم،تتمثّل فیها کلّ التجاهات الادبیّه فی‏ العصر الحدیث...»(مقدمه،سطر 3 به بعد)

2--ص 320 کتاب یاد شده.

سالگشت جهان پهلوان تختی

در شماره‏ی آذرماه 83،دو مقاله درباره‏ی سنّت ایرانی‏ پهلوانی به قلم دو استاد(دکتر ناصر تکمیل همایون و دکتر علی‏ بلوکباشی)داشتیم.غلام رضا تختی،براساس چنان معیارها و چنان سنّت‏های پهلوانی،پهلوان بود.تختی نه تنها پهلوان کشتی، بلکه پهلوان اخلاق،نجابت،صداقت،شرف،آزادگی،دفاع از حق‏ و مبارزه با ظلم بود.

تختی قهرمان ورزش و اخلاق بود.خودکشی او نیز یک‏ دهن‏کجی بزرگ به نظام بود.روحش شاد.سیمین بهبهانی در سوگ او گفت:

نیستی قهرمان دگر که تو را/ بر سر دوش چون‏ سبو ببرند/ چه شد آن خوان برگشاده که خلق/ سهمی از اعتبار او ببرند.